

دخالت نهاد قضاوت در امر وکالت

حمیده سادات جعفری - تهران

طی سال‌های اخیر اختلاف نظر میان دو نهاد قضاوت و وکالت در صفحات حقوقی روزنامه‌های صبح و عصر بحث انگیزترین موضوع روز بوده است. اختلاف در زمینه تصویب و تفسیر ماده ۱۸۷ برنامه سوم توسعه و محرومیت وکلا از شغل وکالت دو محور اساسی کشمکش‌ها بوده است.

جدال بر سر تفسیر ماده ۱۸۷:

به طور کلی ماجرا از آنجا شروع شد که مجلس پنجم در سال ۷۸ طبق ماده ۱۸۷ برنامه پنج ساله سوم توسعه به قوه قضاییه اختیار تربیت افرادی را تحت عنوان مشاورین حقوقی داد. کانون وکلا که این اقدام را موجب تهدید اختیارات خویش می‌یافت سر به اعتراض برداشت. کشمکش‌ها ادامه یافت تا اینکه مجلس ششم به طرفداری از کانون از طریق عدم تصویب شیوه تأمین هزینه این اقدام هنگام تصویب بودجه سال ۸۰ به مخالفت ضمنی با این طرح پرداخت. اما شورای نگهبان و قوه قضاییه با اشاره به اینکه طرح تربیت مشاورین حقوقی می‌تواند در کشور موجب اشتغالزایی گردد، برای ماده ۱۸۷ آیین‌اجرائی تدوین نموده و در مجموعه قوانین منتشر ساختند.

کانون که حقوق حقه خویش را از دست رفته می‌دید پاسخ داد: اشتغال زایی و وظیفه دولت است.

نه وظیفه کانون و قوه قضا. کانون طی ۵۰ سال استقلال خود هیچ‌گونه هزینه‌ای را بر دوش دولت مترتب نساخته است. لذا اجازه نمی‌دهد از حشش سوء استفاده شود.

مجلس ششم نیز که ظاهراً برای سیلف خود (مجلس پنجم) خلف همانگی نبود تصمیم به لغو این ماده گرفت. اما هر بار که زمینه برای لغو صریح این ماده فراهم می‌شد اقدامات و کارشکنی‌هایی مسیر اصلاح این ماده را مسدود می‌ساخت. از جمله این اقدامات تبلیغات سبویی بود که علیه کانون وکلا در رسانه‌ها و من جمله صدا و سیما انجام گرفت.

کانون به اعتراض برخاست و به دفعات خواستار آن شد که صدا و سیما به این نهاد نیز فرصتی دهد تا طی یک برنامه تلویزیونی از موجودیت خود و تفسیرش از ماده ۱۸۷ دفاع نماید.

اما ظاهراً صدا و سیما به این درخواست عاجلانه کانون واقعی ننهاده و در پر بیننده‌ترین شبکه‌های تلویزیونی یعنی شبکه‌های سه و پنج علاوه بر تیرماه در شهریور ماه ۸۱ نیز اجازه تبلیغات علیه کانون را به موافقین تهدید اختیارات کانون وکلا اعطا نمود.

آنها در این برنامه با استفاده از ضعف اقتصادی عولم به آنها وعده وکلای ارزان دادند و این چنین اعتراض‌های بی‌سرانجام کانون را برانگیختند. این موضوع یعنی اختلاف عقیده پیرامون تصویب و تفسیر ماده ۱۸۷ هم چنان مورد جدال قضات و وکلای دادگستری می‌باشد.

محرومیت وکلای از شغل وکالت:

طبق قوانین موجود که البته جاری نمی‌شود، این امر به عهده کانون وکلا می‌باشد ولیکن قوه قضاییه در اینجا نیز مداخله نموده و به دفعات وکلای بسیاری را از حق وکالت محروم ساخته است.

بهمن کشاورز رییس هیات مدیره کانون اعتقاد دارد، 'أحضر وکلا حین دفاع از متهمان نارواست، زیرا یک وکیل وقتی ببیند به دلیل آنچه که در مقام دفاع از موکل خود کرده ممکن است تحت تعقیب کیفری قرار گیرد، طبیعتاً احتیاط پیشه کرده و خوب و جامع دفاع نمی‌کند. به این ترتیب موجب خدشه دار شدن حق دفاع مردم و نقض اصل ۲۵ قانون اساسی می‌شود و این جریان را یک بدعت غیر قابل قبول می‌داند. در عین حال استدلال‌ات کانون وکلا بر دو پایه شکلی و ماهوی لبراز شد.

در استدلال شکلی با استناد به ماده‌ای از لایحه استقلال کانون وکلا که مقرر می‌داشت، 'از تاریخ اجرای این قانون هیچ وکیلی را نمی‌توان از شغل وکالت معلق یا ممنوع نمود مگر به موجب حکم قطعی دادگاه انتظامی وکلا'. از صلاحیت ذاتی دادگاه‌های عمومی برای صدور احکام ایراد گرفته شد.

اما در استدلال ماهوی با استناد به تبصره سوم مصوبه مجمع تشخیص مصلحت در خصوص انتخاب وکیل توسط اصحاب دعوی که مقرر می‌داشت، 'وکیل در موضع دفاع از مصنوعیتی برخوردار است که قاضی در موقع قضا پس شغل قضا و وکالت از دو حیث استقلال و مصونیت برابری می‌باشد'. کانون اضافه کرد در باب مصونیت همان‌گونه که محکومیت قاضی تنها به حکم دادرسی انتظامی قضات میسر است محکومیت وکیل نیز به موجب ماده ۱۷ لایحه استقلال کانون تنها با حکم دادگاه انتظامی وکلا امکان پذیر است.

پس در وهله اول یک وکیل باید توسط دادگاه انتظامی معلق گردد. سپس از طریق دادگاه‌های عمومی مورد تعقیب کیفری واقع شود.

قوه قضاییه در مقام دفاع گفت: در این رابطه ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی را لحاظ کرده‌ایم و می‌دانید که قانون مجازات، قانونی عام و به لحاظ زمانی موقر بر لایحه قانونی استقلال کانون وکلا می‌باشد.

وکلا دادگستری باز هم پاسخ قانع‌کننده‌ای نداشتند. طبق یکی از اصول عملیه فقهی، قانون عام موقر (قانون مجازات اسلامی) نمی‌تواند قانون خاص مقدم (استقلال کانون وکلا) را نسخ نماید. امروز ما می‌دانیم که دخالت قوه قضاییه در امور جاری کانون یک پسروی است، یک رجعت غلط به بیش از هفتاد سال پیش است.

توجه ما در برابر کانون بین المللی وکلا چیست؟

آیا اقداماتی از این دست بیش از پیش وجهه بین‌المللی ما را دچار خدشه نمی‌کند؟ بی‌تردید این وضعیت در نظر آیندگان دوره رکود علم حقوق محسوب می‌شود.

پی نوشت:

کانون وکلا در سال ۱۳۰۹ تحت نظارت وزارت دادگستری تأسیس شد و در سال ۱۳۳۲ با تصویب مجلسین استقلال یافت.

و من الله التوفیق